

## دختران صنعتی!

به کشور خود بازگرد

**گفتم:** نظرت راجع به جلسه تالاری اشتغال زنان چی بود؟  
**گفت:** من که پاک گیج شدم. نفهمیدم آخرش حرف گروه مخالف و موافق چی بود؟  
**گفتم:** حالا نظر خودت راجع به اشتغال زنان چیه؟  
**گفت:** راستش من با اشتغال زنان موافقم. چون این حق زن است که شغل داشته باشه، در جامعه حضور داشته باشه.  
**گفتم:** به نظرت حضور زن تو جامعه چطوره؟  
**گفت:** الان یک زن با کارکردنش به اقتصاد خانواده کمک می کنه، روابط اجتماعی بالا میره و احساس مفید بودن میکنه ...  
**گفتم:** یعنی به نظرت اشتغال زن ها هیچ اثر منفی نداره؟  
**گفت:** خُب درسته، اشتغال زنان آسیب هایی هم داره .  
**گفتم:** مثلا چی؟  
**گفت:** اول این که متاسفانه سطح توقع دختران برای ازدواج بالا میره و سن ازدواج در جامعه افزایش پیدا میکنه که در این صورت احتمال فساد و سوء رفتارهای روانی و اخلاقی زیاد میشه و دوم این که با اشتغال زنان خیلی از مردان بیکار می مانند و در شغل هایی که شان و توانایی آنها نیست مشغول می شوند.  
**گفتم:** ولی به نظرم اگه ابراد شغل خانم

که اشتغال مرتبط با تحصیل برای ما از نقش مادری و همسری بدیهی تر است.  
**گفت:** خوب یک خانم این توانایی رو داره که به هر دو بپردازه.  
**گفتم:** بین یک خانم اگه بخواد بره سر کار باید در روز هشت ساعت از وقتشو واسه کار بگذاره . هشت ساعت خواب هم که واسه همه نیازه . میمونه هشت ساعت وقت آزاد که باید صرف مادری و همسری و خانه داری بشه. بماند که این نقش ها دیگه ارزشی نداره و همینه که خانم حاضر میشه هشت ساعتی رو که سر کاره بچه اش رو بسپاره



ها این باشه با دادن تسهیلات ازدواج دانشجویی و وام ازدواج حل میشه! با کنترل تعداد ورودی های دختر و پسر و تک جنسی کردن بعضی رشته های خاص مثل عمران و معدن و ... حل شدنیه.  
**گفت:** پس به نظر تو اشتغال زنان چندان هم بد نیست.  
**گفتم:** به نظر من این مشکلش ریشه ای تر از این حرف هاست که میگی...  
**گفت:** منظورت چیه؟  
**گفتم:** بین تو مشکل اشتغال زنان رو بالا رفتن سن ازدواج و به دنبالش فساد و ناهنجاری های روانی می بینی اما این تنها یه بعد قضیه است...  
**گفت:** مگه چیزی غیر از این هم هست؟  
**گفتم:** بین اصل و مبنای خانواده تربیت فرزند که این کلیدی ترین نقش و وظیفه ی مادره البته این برای دخترهای الان اصلا جا نیافتاده!  
**گفت:** ما حداقل ۱۶ سال دربه دری و بی خوابی کشیدیم تا مدرک لیسانس بگیریم و یه شغل درست و حسابی پیدا کنیم حالا تو میگی بشینیم گوشه خونه بچه بزرگ کنیم؟!  
**گفتم:** درست به اصل مطلب اشاره کردی، مشکل تغییر ارزش ها ست تا جایی

می طلبه که زن راس این حرکت ها باشه. و حتی گاهی زنها با حضور فعال خود در جنبش ها و جبهه ی نبرد نقش کلیدی ایفا میکنند.  
**گفت:** پس بحث اقتصادی خانواده چی میشه؟  
**گفتم:** اصلی ترین چیزی که ریشه ی همه این هاست اینه که در زمانه ما ارزش های انسانی مطرح نیست و همه چیز در خدمت اقتصاد بازاره. همینه که زن از سر کار رفتن احساس هویت می کنه ولی مادری و همسری اصلا برای زن امروز مطرح نیست. اصلا تا حالا فکر کردی چرا خانواده ها به سمت تک فرزندی میرن؟

**گفت:** خوب مشخصه، بزرگترین دلیلش زیاد شدن هزینه های زندگیه.  
**گفتم:** شاید این هم یکی از دلایلش باشه ولی دلیل اصلی باز هم به بیگانگی ما آدم ها از خودمون بر می گرده.  
**گفت:** چرا بحث رو فلسفی می کنی؟  
**گفتم:** نه فلسفی نیست، چیزیه که تو متن جامعه کاملا قابل مشاهده است، مثلا فکر میکنی چرا تو زموئه ما یک زن به شغل خودش افتخار میکنه ولی با این جمله امام خمینی که میگن: «بهترین مدرسه برای تربیت بچه دامن مادر است» و یا «از دامن زن است که مرد به معراج میرود»، بیگانه است؟  
**گفت:** ولی راستش من در خودم آنچنان

مهد کودک و هم خودش و هم بچه اش رو از رابطه معاشقه ای بین مادر و فرزند هست محروم کنه.  
**گفت:** حرفتو قبول می کنم ولی این مربوط به اشتغال همه ی اعضا خانواده ست، نه فقط زنان. درسته؟  
**گفتم:** بله ولی اشتغال زنان هم تاثیر زیادی در این بحران داره، چون در زمانی که اعضای خانواده به خانه بر می گردند مادر یا همسر خانواده یا کارهای عقب مانده اداره را انجام می ده یا خسته ست و یا کارهای شخصی خودش رو، در این صورت آفرصت ایفای نقش مادری یا همسری را پیدا می کنه؟  
**گفت:** من باید فکر کنم  
**گفتم:** فکر کردن کار خیلی خوبیه، خدا رزق و روزی ما هم بکنه.  
**گفت:** ولی با این حرفها عملا زن رو از حضور اجتماعی محروم میکنیم.  
**گفتم:** حضور اجتماعی زن از اشتغال متفاوت است، چون حضور اجتماعی صرف بیرون رفتن از خانه برای اشتغال نیست، داشتن فهم همه جانبه ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعیه. زنها باید در راهیمایی ها و موضع گیری های مردمی مثل ۹ دی، شرکت داشته باشند و گاهی

نشریه دانشجویی شذرات



سال پنجم - هفته آخر بهمن ماه ۱۳۹۱ - شماره ششم

با ما از طریق ایمیل در ارتباط باشید:  
منتظر نقد های شما هستیم.  
وبلاگ:  
ARMANIUT.BLOG.IR  
ایمیل:  
ARMANORG.IUT@GMAIL.COM  
تلفن:  
۳۹۱۳۹۴۸

آقای «سیرایت میلز» جامعه‌شناس آمریکایی می‌گوید: «وقتی نهاد خانوادگی فعلی، زنان را تبدیل به برده‌های زبون و عروسک‌های دلربا، و مردان را به صورت اسباب دست زنان در می‌آورد، تحقق بخشیدن به ازدواج‌های موفق از عهده افراد خارج است». شما می‌دانید که تقریباً بیشتر از ده درصد ازدواج موفق در کشورهای اروپایی و آمریکایی نداریم. بسیاری از خانواده‌ها در آمریکا و بخصوص انگلستان، تک والدینی هستند، به این معنی که کودک یا با مادرش زندگی می‌کند و یا با پدرش. بسیاری از خانواده‌هایی که اسماً خانواده‌اند زن و شوهر عموماً همدیگر را نمی‌بینند، چون بدون طلاق از هم جدا شده‌اند. حالا بحث سر این است که زنان غربی می‌گویند ما در ازدواج ناموفق بودیم چون مردها با ما هماهنگی ندارند و به اصطلاح مردها اسباب دست زن‌ها نشده‌اند و از آن طرف اگر مردها با فرهنگی روبه‌رو شدند که باید کار مرد، اطاعت از دستورات گاه و بیگاه زنان باشد، عرصه برای مرد تنگ می‌شود، و ترجیح می‌دهد بدون تشکیل خانواده با هر زنی که خواست مرتبط باشد و این در عمل به ضرر زنان تمام می‌شود، و همان‌طور که آقای سیرایت میلز می‌گوید: «زن در آمریکا یا برده است، یا بازپچه تبلیغات و یا عروسک دل‌ربا». لذا دیگر هویت اصلی زن مطرح نیست که بخواهد با حفظ آن هویت و با قوام بودن مردان در خانواده، هرکس به بهره‌روسانی که باید برسد، برسد. این‌جاست که آن آقا می‌گوید شما دیگر ازدواج موفق در غرب نخواهید داشت. وقتی ما آیات ۳۲ و ۳۵ سوره نساء را کنار بگذاریم دیگر جایگاه زن گم می‌شود و بر خلاف ظاهر که خواستیم

جزء تولید ناخالص ملی به حساب نمی‌آید، حتی وقتی زنان از کار بی‌مزد خانه فارغ می‌شوند و مایل به انجام کار در خارج از خانه هستند در اکثر موارد کم‌درآمدترین و بی‌کیفیت‌ترین کارها به آنان واگذار می‌شود. در فرانسه کمتر از ۴٪ رؤسای مؤسسات زن هستند، در عوض ۷۰٪ کارمندان ادارات و ۸۰٪ پرسنل خدماتی را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع مزد زنان ۳۰٪ کمتر از مردان است» اصلاً جنس نظام سرمایه‌داری در راستای کم‌بهدادن به زن، این است که نمی‌تواند تحمل کند زن به اندازه مرد حقوق بگیرد، چون ملاک ارزش‌ها «قدرت» است و نه «خدمت». و آنچه به‌واقع احیاء زنان است ایجاد بستری است که آن‌ها بتوانند «خدمت» خود را به عنوان ارزش ارائه دهند وگرنه اگر «قدرت» به میان آمد و ارزش به «قدرت» شد همان قدرت زنان را پس می‌زند.

راه برون‌رفت:

همان‌طور که مطلعید، نظام سرمایه‌داری برای استفاده از کار زنان، آنان را تشویق به خارج شدن از نظام خانوادگی می‌کند و جنبش فمینیسم هم علاوه بر تحریک شدن توسط نظام سرمایه‌داری به دلایل دیگری که برشمرده شد، هستهٔ خانواده را نشانه رفته و درصد واردکردن خسارت به کانون خانواده است. راه حل برون رفت از این خطر بزرگ، احیاء کرامت حقیقی زنان است که خالق آنان به آنان و مردان گوشزد کرده است.

از کتاب زن آنگونه که باید باشد.  
اثر اصغر طاهرزاده  
دانلود کتاب الکترونیکی:  
almizan.lobolmizan.ir

حقوق زن را احیا کنیم، همه چیز مردانه می‌شود، حتی قضاوت در مورد زنان، آقای رژه‌گارودی می‌گوید: «وقتی اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه برتری پیدا کرد اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار می‌شود». چون در اقتصاد بازار کار زنان در منزل که عموماً یک سوم اقتصاد ملی جامعه را تشکیل می‌دهد، به چیزی گرفته نمی‌شود و ارزش‌های مردانه حکومت می‌کند، «قدرت» ارزش است و نه «خدمت». وقتی پول در صحنه است «قدرت» در صحنه است و عالم داخل خانه که در آن «خدمت» حاکم است بی‌مقدار می‌شود. اقتصاد بازار یعنی در آمد پولی، اقتصاد پایه یعنی گذران زندگی. بسیار تجربه کرده‌اید که درآمد بعضی از خانواده‌های روستایی زیاد نیست ولی زندگی‌شان خوب می‌چرخد. در دوران گذشته چون مادر در خانه حضور فعال اقتصادی داشت زندگی به‌خوبی می‌چرخید بدون این‌که پول زیادی وارد خانه شود، زنان همیشه با یک نوع تولید و ترمیم رابطه داشتند. مصرف کالاها و غذاهای بیرون خانه آن قدر زیاد نبود که نیاز به پول زیاد باشد. آنچه امروز در خانواده‌های ما نقش بازی می‌کند قدرت خرید کالاها بیرون خانه است و نه برنامه‌های مادران. در چنین شرایطی است که اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار و بی‌مقدار می‌گردد. وقتی «قدرت» ملاک ارزش شد بخواهیم و نخواهیم زنان از ارزش واقعی خود فرو می‌افتند. به طوری که عموماً در غرب حقوق زن‌ها در همان مقام و پستی که مردها هستند یک سوم کمتر است. گارودی در همان کتاب می‌گوید: «در نظام سرمایه‌داری نه‌تنها کار زنان در خانه

حوزه فرهنگی و نرم افزاری انقلاب خوب کار کرده ایم در حالی که صدای امام خامنه ای هم در آمده است: **اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسبشناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۹۱/۷/۲۳)**

البته به هیچ وجه فراموش نمی‌کنیم که مردم همیشه کیلومترها جلوتر از مسئولین اقتدارگرا هستند. مردم صف مقدم پیشبرد اهداف انقلاب بوده‌اند و هستند.

۳- راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال هم نشان دهنده همان دل‌بستگی عمیق مردم به نظام و انقلاب است که نباید انتقادات ما به اشتباه به این وجه مردم منطبق شود. ما همیشه روی این نکته تاکید داریم که مردم باهوش‌ترین حامیان انقلاب هستند و بصیرترین آنها. اما تغییر نوع رفتارها، پندارها، معیارها و نوع زندگی، چیزی است که از یک انسان بصیر و با ایمان نیز ممکن است یک انسان غربی بی‌هویت بسازد؛ پس هنوز خطر پابرجاست.

۴- کرسی آزاد اندیشی ترم پیش را که یادتان هست؟ بحث اشتغال زنان و آسیب‌های آن. انشالله سه شنبه همین هفته یک تریبون آزاد در ادامه بحث قبلی داریم تا در یک فضای آزاد دوباره به این مسئله کلیدی که کل جامعه درگیر آن هستند، فکر شود و

بحثی انجام گیرد. کتاب زن آنگونه که باید باشد باشد اثر استاد طاهرزاده هم بعد از تالار با ۵۰ درصد تخفیف به فروش می‌رسد!

۵- احمدی تژاد به لبه تیغ تکفیر تکفیرگران نزدیک می‌شود. طوبی للغربا! با وجود مظلومیت ذاتی احمدی تژاد، می‌خواهیم کرسی آزاداندیشی در این مورد برگزار کنیم. موضوع کرسی «گفتمان آینده، گفتمان احمدی تژاد، آری یا خیر؟» است. از همه عزیزان دعوت می‌کنیم که برای ثبت نام به عنوان موافق و مخالف، به دفتر آرمان مراجعه کنند یا با شماره آرمان ۰۹۳۵۶۵۲۳۶۱۵ تماس بگیرند و درخواست بدهند.

۶- اخیراً یک جلسه تالاری برگزار شد که انتظارمان از آن چیز دیگری بود. انتظارمان کمک به روشن شدن فضای سیاسی و بیرون آمدن از ابهامات بود ولی متأسفانه بیشتر به فضای غبارآلود ابهامات دامن زده شد و با طرح مشهورات و شنیده‌ها بدون ذکر سند و دلیل، فضا را غبار آلوده تر کرد. در آینده تشکل آرمان در مورد این نحوه برخورد جریانات سیاسی صحبت‌های مفصلی خواهد داشت انشا ... !

## بهد الخیر

۱- سلام

۲- نشریه پیشین، و انتقاداتی که متوجه پندارهای غلط و ناقص مردم و مسئولان ما از انقلاب اسلامی بود واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. متأسفانه جماعت حزب الله، ترجیح می‌دهد پشت سر سوژه تا دلش می‌خواهد حرف بزند و کسی تا به الان به جز چند نفر معدود، انتقاداتشان را با ما در مورد نشریه در میان نگذاشتند. یکی از دوستان هم متنی دلسوزانه به آرمان داده بود که از این بابت از ایشان تشکر می‌کنیم. اما عمده این عدم تفاهم‌ها، ناشی از عدم فهم مسأله است. مسأله ما ایجاد شدن پندارها، توقعات و رفتارهای اشتباه یا حداقلی از انقلاب اسلامی است بدون اینکه شاید به آن اذعان داشته باشیم. مسأله ما ایجاد شدن نوعی از زندگی است که با انقلابی‌گری نمی‌سازد. مسأله ما، نگاهی است که حمایت از محرومین را گدا پروری میدانند. نقش فعال در جهان اسلام را مضر منافع کشور می‌داند. مسأله ما سبک زندگی غلطی است که اعتقادات ما را تحت الشعاع و احیانا استحاله می‌کند. مسأله ما نگاه سطحی به پدیده‌ای به نام غرب است به نحوی که در ذهنمان با او بجنگیم ولی تا بن دندان غربی شویم. این را خود مقام معظم رهبری هم مورد تاکید قرار داده‌اند. به واقع ما از کسانی که بابت این نشریه به ما انتقاد داشتند طلبکار هستیم. طلبکاریم از این بابت که هنوز هم با مردم مان تعارف داریم. هنوز هم می‌خواهیم بگوییم ما در